

فهرست مطالب

سخنی باخواننده.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹

بخش اول: فلسفه فقه سیاسی

۱. مفهوم فقه سیاسی.....	۲۷
۲. تمایز فقه سیاسی از فقه حکومتی.....	۳۰
۳. نظام مسائل فقه سیاسی.....	۳۳
۴. روش فقه سیاسی.....	۳۶
۵. اهداف فقه سیاسی.....	۳۸
۶. تمایز فقه سیاسی از سایر گرایش‌های علوم سیاسی.....	۴۳
۷. گستره فقه سیاسی.....	۴۵
الف) از حیث گستره فردی، اجتماعی و حکومتی.....	۴۶
ب) از حیث نظریه‌پردازی و نظام‌سازی.....	۴۷
ج) از حیث احکام اولیه، ثانویه و حکومتی.....	۴۹
د) از حیث حکم شرعی و تبدیل آن به قانون.....	۵۰

بخش دوم: چیستی فقه سیاسی

۱. ماهیت فقه سیاسی ۵۴
- الف) فقه ۵۴
- ب) سیاست ۵۸
- ج) فقه سیاسی ۶۶
- ۱- بخشی از فقه مرتبط با اداره سیاسی کشور ۶۸
- ۲- بخشی از باب‌های عملی فقه در ارتباط با اداره زندگی مردم ۶۸
- ۳- احکام شریعت الهی در مورد مسائل سیاسی ۶۹
۲. فقه سیاسی و تمایز آن از فقه حکومتی ۶۹
۳. تمایز فقه سیاسی معاصر از فقه سیاسی در ادوار پیشین ۷۲
۴. محوریت فقه سیاسی در تبیین نظام سیاسی اسلام ۷۶
۵. گونه‌های فقه سیاسی ۸۱
- الف) فقه سیاسی فردمحور ۸۲
- ب) فقه سیاسی جامعه‌مدار و غیر حکومتی ۸۴
- ج) فقه سیاسی حکومت‌محور و جامعه‌مدار ۸۶
۶. تحول فقه از فردمداری به جامعه‌محوری ۹۳
۷. ملاک‌های فقه سیاسی با محوریت حکومت دینی ۱۰۹

بخش سوم: قلمرو فقه سیاسی

۱. بسط قلمرو فقه سیاسی ۱۱۶
- الف) بسط فقه سیاسی به لحاظ مفهوم‌شناسی ۱۱۶
- ۱- بخشی از فقه مرتبط با امور سیاسی ۱۱۷

- ۲- بایی از ابواب عملی فقه مرتبط با اداره زندگی مردم..... ۱۱۷
- ۳- علم به حکم خدا در باب سیاست..... ۱۱۸
- ۴- فقه اداره جامعه سیاسی..... ۱۱۸
- ب) بسط فقه سیاسی به لحاظ توسعه مفهوم و کارکرد فقه..... ۱۱۹
- ج) بسط فقه سیاسی به لحاظ گذر از فقه فردی به فقه اجتماعی و حکومتی..... ۱۲۲
- د) بسط فقه سیاسی به لحاظ نظریه پردازی و نظام سازی..... ۱۲۹

بخش چهارم: غایات و کارویژه های فقه سیاسی

۱. غایات فقه سیاسی..... ۱۳۸
۲. کارویژه های فقه سیاسی..... ۱۴۳
- الف) هدایت حداکثری مردم..... ۱۴۹
- ب) دفاع از مرزهای حاکمیت دینی..... ۱۵۰
- ج) رفع نیاز جامعه..... ۱۵۱
- د) تدبیر فقه محور حکومت دینی..... ۱۵۱
- ه) تشکیل و اداره نظام سیاسی (کشور)..... ۱۵۲
- ۱- اداره زندگی فرد و جامعه..... ۱۵۳
- ۲- اداره سیاسی کشور..... ۱۵۵
- ۳- اداره نظام زندگی ملت ها..... ۱۵۶
- و) ساختن جامعه و پاسخگویی به نیازهای آن..... ۱۵۶
- ز) اصلاح نظام زندگی انسانی..... ۱۵۷

بخش پنجم: مکاتب، جریان ها و رویکردهای فقه سیاسی

۱. رویکردهای فقه سیاسی..... ۱۶۱

۲. جریان‌های فقه سیاسی ۱۶۵
- الف) جریان اخباریگری و اجتهاد اصولی ۱۶۶
- ب) جریان فقه شیعه و سنی ۱۶۷
- ۱- ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه در برابر فقه اهل سنت ۱۶۸
- ۲- رویکردی در باب اتحاد دو جریان فقه سیاسی شیعه و سنی ۱۷۰
- ۳- ایجاد مراکز فقهی تقریب بین مذاهب ۱۷۱
۳. مکاتب فقه سیاسی ۱۷۲
- الف) مکاتب قدیم ۱۷۳
- ۱- مکتب اهل حدیث ۱۷۳
- ۲- مکتب بغداد ۱۷۴
- ۳- مکتب فقیهان اجتهادگرا ۱۷۶
- ب) مکتب امام خمینی ۱۷۷

بخش ششم: موانع و عوامل تحول در فقه سیاسی

۱. مفهوم تحول در فقه ۱۸۲
- تحول فقه سیاسی ۱۸۳
۲. موانع رویکرد به فقه سنی در ادوار سابق ۱۸۶
- الف) نداشتن دسترسی به قدرت و حکومت ۱۸۷
- ب) دراقلیت بودن شیعه ۱۸۹
- ج) بیگانگی حکومت‌ها با فقیهان شیعه ۱۹۰
- د) سلطه حاکمان جور ۱۹۲
- ه) عدم طرح مسائل حکومتی و سیاسی ۱۹۳
- و) ناامیدی فقیهان از تشکیل حکومت ۱۹۴

.....	۱۹۷	ز) رواج تفکر جدایی دین از سیاست
.....	۱۹۹	ح) انزوای اندیشه حاکمیت اسلام
.....	۱۹۹	۳. عوامل تحول
.....	۱۹۹	الف) تحول در نگرش
.....	۲۰۴	ب) تحول در روش
.....	۲۰۷	ج) شناخت شرایط و مسائل جامعه
.....	۲۱۱	۴. تحول در انتظارات
.....	۲۱۳	۵. تعامل دو عنصر فقاقت و سی است
.....	۲۱۴	۶. تحول در موضوع شناسی
.....	۲۱۵	۷. تخصصی شدن فقه

بخش هفتم: سیر تحول فقه سیاسی در عصر غیبت

.....	۲۱۹	۱. پیدایش فقه سیاسی در صدر غیبت
.....	۲۲۰	الف) مکتب محدثان قم و ری
.....	۲۲۳	ب) مکتب شیخ مفید و شیخ طوسی
.....	۲۲۹	۲. گسترش فقه سیاسی در سده دهم تا سیزدهم (عصر تحول)
.....	۲۳۰	الف) محقق کرکی
.....	۲۳۲	ب) مکتب وحید بهبهانی
.....	۲۳۷	۳. تحول فقه سیاسی در عصر مشروطه
.....	۲۴۲	۴. تکامل فقه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

بخش هشتم: تحول فقه سیاسی بعد از انقلاب اسلامی

.....	۲۴۸	۱. وضعیت فقه سیاسی قبل از انقلاب
-------	-----	----------------------------------

۲. توسعه فقه سیاسی بعد از انقلاب ۲۵۰
- الف) گستره مسائل ۲۵۲
- ب) توسعه غایات و اهداف ۲۵۵
- ج) تحوّل در روش‌شناسی ۲۵۷
- د) توسعه کارویژه‌ها ۲۶۱
- ه) تکثر جلسات و دروس ۲۶۴
- و) تعدد کتب ۲۶۵
- ز) تعداد مقالات علمی ۲۶۹
- ح) تأسیس و توسعه دروس دانشگاهی ۲۷۰
- ط) تکثر پایان‌نامه‌های تخصصی ۲۷۱
- ی) تعدد مراکز علمی ۲۷۲
- ک) کثرت نظریه‌های علمی ۲۷۴
- ل) موضوع‌شناسی ۲۷۵
۳. راهبردها و چشم‌اندازهای فقه سیاسی در سالیان آینده ۲۷۶

بخش نهم: ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی

۱. مفهوم‌شناسی فقه حکومتی ۲۸۱
- الف) تمایز فقه حکومتی با فقه الحکومه و فقه سیاسی ۲۸۴
- ب) تمایز فقه حکومتی با فقه الحکومه ۲۸۶
۲. ماهیت فقه حکومتی ۲۸۷
- الف) حکومت به مثابه موضوع فقه ۲۸۸
- ب) حکومت به مثابه مسئله فقه ۲۸۸

ج) حکومت به مثابه صدور احکام حکومتی.....	۲۸۹
د) رویکرد حکومت به مثابه ایجاد حکم در منطقة الفراغ.....	۲۹۰
ه) تحلیل و بررسی.....	۲۹۰
۳. ویژگی‌های فقه حکومتی.....	۲۹۳
الف) از حیث مبانی.....	۲۹۳
۱- باور به جامعیت دین.....	۲۹۳
۲- امکان پاسخگویی به همه نیازها (در عرصه حکومت).....	۲۹۴
ب) از حیث گستره.....	۲۹۵
۱- گستره مخاطبان.....	۲۹۵
۲- گستره مباحث فقهی.....	۲۹۵
۳- گستره جغرافیایی.....	۲۹۶
ج) از حیث روش‌شناسی.....	۲۹۷
۱- نظام‌وارگی.....	۲۹۷
۲- در نظر گرفتن ثبات و متغیرات در استنباط.....	۲۹۸
۳- امکان تبدیل به قانون.....	۲۹۸
۴- امکان تکلیف به شخصیت حقوقی (نظام سیاسی).....	۲۹۹
د) از حیث رویکرد.....	۲۹۹
۱- رویکرد کارآمدی.....	۲۹۹
۲- رویکرد حکومت‌محوری (مراعات اقتضانات نظام).....	۳۰۰

بخش دهم: فقه سیاسی شیعه و ظرفیت ساختارسازی در نظام سیاسی

۱. مفاهیم.....	۳۰۴
----------------	-----

- الف) فقه سیاسی ۳۰۴
- ب) نظام سیاسی ۳۰۶
- ج) نظام‌سازی ۳۰۶
۲. مراحل نظری دستیابی به ساختار نظام سیاسی اسلام ۳۰۷
- الف) سازگاری ساختار نظام با ماهیت آن ۳۰۷
- ب) نظام‌سازی بر اساس مدل‌های بومی ۳۰۸
- ج) ابتدای ساختار نظام سیاسی بر عناصر درونی ۳۱۰
- د) ساختار نظام سیاسی مطلوب ۳۱۱
۳. ظرفیت‌های فقه سیاسی شیعه در امکان ساختارسازی برای نظام سیاسی ۳۱۴
- الف) ظرفیت مبانی احکام ۳۱۴
- ۱- احکام ثابت و متغیر ۳۱۵
- ۲- احکام تأسیسی و امضایی ۳۱۶
- ۳- احکام حکومتی ۳۱۶
- ۴- منطقة الفراغ ۳۱۷
- ب) ظرفیت منابع فقه سیاسی شیعه ۳۱۸
- ۱- قرآن کریم ۳۱۹
- ۲- سنت ۳۱۹
- ۳- عقل ۳۲۰
- ۴- عرف ۳۲۲
- ج) ظرفیت اصول فقهی ۳۲۳
- ۱- عمومات و اطلاقات ۳۲۳

۳۲۴	۲- اصل اباحه شرعی
۳۲۵	۳- اصل برائت عقلی
۳۲۵	(د) ظرفیت قواعد فقهی
۳۲۵	۱- مصلحت
۳۲۷	۲- قاعده میسور
۳۲۸	(ه) ظرفیت اجتهاد به مثابه روش
۳۲۹	۱- نقش زمان و مکان در اجتهاد ساختارها

بخش یازدهم: امام خمینی و نگرش حکومتی به فقه

۳۳۲	۱. ویژگی‌های نگرش حکومتی به فقه
۳۳۹	۲. نگرش فقه حاکومتی در سیره اهل بیت:
۳۴۲	۳. اختیارات حاکم مطابق نگرش حکومتی به فقه
۳۴۶	الف) تحدید مالکیت خصوصی
۳۴۶	ب) اختیار در عفو مجرمان
۳۴۶	ج) کنترل موالید
۳۴۷	د) موارد دیگر

۳۴۹	نتیجه تحقیق
-----	-------------

۳۶۱	کتابنامه
-----	----------

نمایه‌ها

۳۷۹	آیات
-----	------

روایات.....	۳۸۰
موضوعات.....	۳۸۱
اعلام و مشاهیر.....	۴۰۸
کتاب‌ها.....	۴۱۱
مکان‌ها.....	۴۱۳
تنالگان.....	۴۱۴

سخنی باخواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی- اجتماعی بود. این ایده در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تا کنون منابع دینی و دینداران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخگویی به این پرسش‌ها و معضلات بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روشمند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی بسی سنگین است. این مراکز از سویی رسالت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده

دارند و از سوی دیگر به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی-دینی و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به عنوان مهم‌ترین هدف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم‌کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی تلاش می‌کند در مسیر عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهشگر فرهیخته حجت‌الاسلام و المسلمین آقای سیدسجاد ایزدهی با هدف تبیین مباحث درجه دوم فقه سیاسی و فهم چستی این گرایش بینارشته‌ای تدوین شده و لذا مشتمل بر مباحثی مرتبط با ماهیت، ارکان، ویژگی‌ها، غایات، کارویژه‌ها، علل و عوامل رکود فقه سیاسی در اعصار سابق و تحول آن در عصر حاضر است و ضمن اینکه می‌تواند راه را بر تحول در این حوزه معرفتی بگشاید، قادر است با ارائه رویکردی روزآمد از این گرایش علمی بستر توسعه نظام اسلامی با محوریت فقه سیاسی به عنوان نرم‌افزار اداره شریعت‌مدار جامعه را فراهم آورد.

بی‌تردید اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه حجت‌الاسلام و المسلمین آقای سیدسجاد ایزدهی، ارزیاب محترم حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر سیدکاظم سیدباقری، مدیر محترم اداره امور پژوهشی آقای دکتر محمود فلاح و کارشناس محترم گروه آقای مجید اکبریان

گرمجی است که جای دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به عمل آید؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر نجف لک‌زایی که بدون حمایت و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید، نیز نشر پژوهشگاه که عهده‌دار آماده‌سازی فنی، چاپ و نشر اثر حاضر بوده و هست، سپاسگزاری می‌کنم.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در جهت حیات و بالندگی علم و دانش آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادات و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌های علمی موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی-دینی و زمینه‌های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

بر خلاف علم فلسفه (فلسفه اولی) که از موجود بماهو موجود بحث می‌کند و مشتمل بر مباحثی است که حول مقوله وجود (چون وجود و ماهیت، اصالت وجود یا ماهیت، مشکک یا متواطی بودن وجود، واجب الوجود، ممکن الوجود و ممتنع الوجود) قرار دارند، گونه‌ای دیگر از فلسفه وجود دارد که از آن به فلسفه مضاف یاد می‌شود. فلسفه‌های مضاف که بر اساس مضاف‌الیه فلسفه از هم متمایز می‌شوند، مشتمل بر عرصه‌های مختلف و فراوانی هستند، گرچه می‌توان آنها را ذیل دو گونه اساسی از فلسفه‌های مضاف جای داد: قسمی از فلسفه مضاف که به دانش‌ها اضافه می‌شود؛ مانند فلسفه سیاست، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه ریاضیات و فلسفه هنر و قسمی دیگر که به موضوعات مختلف اضافه شده و به سبب تنوع موضوعات گونه‌های مختلف و متفاوتی یافته‌اند که از آن جمله می‌توان به فلسفه دین، فلسفه ذهن، فلسفه سینما و فلسفه زبان اشاره کرد. بدیهی است در فلسفه‌های مضاف در خصوص جوانب و ویژگی‌های مضاف‌الیه بحث می‌شود. به هر صورت فارغ از اینکه مضاف‌الیه این فلسفه علم یا موضوعی دیگر باشد، آنچه در فلسفه مضاف محور بحث قرار می‌گیرد، مطالعه کلان، عقلانی و فلسفی است که به غرض فهم، توصیف و بررسی اموری فراتر از مسائل آن دانش

یا عرصه صورت می‌گیرد و تحولات صورت گرفته در سرشت و ذات آن را مد نظر قرار می‌دهد.

بر این اساس برخی اندیشمندان فلسفه مضاف را دانش مطالعه فرانگر/ عقلانی احوال و احکام کلی یک علم یا رشته علمی (همچون علم جامعه‌شناسی و علوم انسانی) یا یک هستومند^۱ دستگاه‌وار انگاشته، حقیقی یا اعتباری (مانند جامعه و علم) تعریف کرده‌اند.^۲

مطابق این تعریف، ضمن اینکه فلسفه مضاف از مصادیق علم مستقل به شمار می‌رود، با روش عقلی و در رویکردی تحلیلی و نقدی متعلق خود را بررسی می‌کند. طبیعتاً قلمرو این علم احکام کلی حاکم بر مضاف‌الیه فلسفه خواهد بود. فلسفه مضاف بر این اساس ضمن هویت تماشاگرانه و برون‌نگر و نه بازیگرانه و درون‌نگر، نگاهی درجه دوم دارد، به جای اینکه در خصوص مسائل آن دانش یا معرفت حکم کند، درباره آن داوری خواهد کرد، بلکه در این مسیر، رویکردی کل‌نگر و نظام‌واره و نه جزءنگر و مسئله‌محور خواهد داشت.

فلسفه مضاف هر گاه به دانشی مشخص اضافه شود، مباحثی را مورد عنایت قرار می‌دهد که بر اساس نکات پیش‌گفته مباحث کلان حاکم بر دانش با روش عقلانی، مبتنی بر نگاهی درجه دوم و با رویکرد ارزش‌گذاری و انتقادی را بررسی خواهد کرد. طبیعتاً مباحثی چون اهداف، غایت، قلمرو، پیشینه، مؤسس، روش، کارویژه‌ها، تمایز با دانش‌های هم‌عرض نسبت به دانش‌های پیشینی و پسینی در

۱. نوعی وجود یا هستی است که در ظل وجود موجودات درک می‌شود. این گونه وجود، وجود مضاف است و در برابر هستی یا وجودشناختی قرار می‌گیرد که آن را می‌توان وجود فی‌نفسه نامید. این واژه به معنای موجود، هستنده یا هست‌مند است.

۲. علی‌اکبر رشاد؛ «فلسفه‌های مضاف»؛ ص ۸.

این خصوص مد نظر است و طرح این مباحث در خصوص هر دانش ضمن اینکه می‌تواند به جایگاه صحیح و واقعی آن دانش کمک شایانی کند، می‌تواند به ارزش‌دآوری درباره تأثیر آن دانش، رویکردهای تحولی، راهکارهای روزآمدی و توانمندسازی آن بینجامد؛ لذا ارائه فلسفه هر دانش نه فقط در درک صحیح و جایگاه مناسب آن دانش مطلوبیت دارد، بلکه از ضروری‌ترین مباحث و دانش‌ها به عنوان عنصر پشتیبانی‌کننده و توسعه‌دهنده آن به شمار می‌رود.

علم فقه که در طول سالیان گذشته همواره متناسب با نیازها و پرسش‌های جامعه استنباط احکام دینی را مد نظر قرار می‌داد و از این مسیر ضمن اینکه رفتارهای خرد و کلان مکلفان را راهبری می‌کرد، اداره زندگی مؤمنانه مردم را بر عهده داشت، از یک سو مسائل خرد و کلان جامعه (اعم از مسائل سنتی و نوپدید) را بر عهده گرفت و از سوی دیگر روش‌های استنباط این احکام را با رویکرد تحولی و متناسب با پاسخ به احکام روزآمد مسائل فرد و جامعه ارائه کرد؛ لکن به نظر می‌رسد با وجود اشتغال فقیهان به فقه (جهت حل مسائل فقهی) و اصول فقه (جهت ارائه روش‌های استنباط احکام)، هنوز بخشی از مباحث عرصه فقه مشتمل بر رویکرد کلان و ناظر به مباحث درجه دوم نسبت به اصل علم فقه (مباحث فلسفه فقه) به خوبی مورد عنایت قرار نگرفته است. با اینکه عدم طرح مباحث عرصه فلسفه فقه به بی‌توجهی به این دانش در زمان‌های گذشته و استمرار رواج نیافتن آن در عصر حاضر مستند است، تحول فقه در سایه تحول و پیدایش موضوعات و مسائل بسیار در عصر حاضر مستلزم بازخوانی علم فقه متناسب با الزامات شرایط موجود است، بلکه پیدایش نظام جمهوری اسلامی با محوریت فقه شیعه و ولایت فقیه جامع‌الشرایط بر اداره امور جامعه به اهمیت مضاعف طرح مباحث فلسفه فقه تأکید می‌کند.

با اینکه می‌توان به برخی کتب به منظور طرح مباحث فلسفه فقه در جهت دغدغه پیش‌گفته اشاره کرد، برای تخصصی‌شدن فقه و پیدایش رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی فقه در عصر حاضر، طرح مباحث فلسفه فقه در رشته‌های تخصصی فقه نیز ضرورت می‌یابد. در این میان همزمان با تحول مباحث فقه سیاسی در جامعه و طرح مباحث عرصه فقه سیاسی ذیل نظام جمهوری اسلامی ایران، بحث از مباحث کلی و درجه دوم ناظر به فقه سیاسی ضرورتی مضاعف یافته است؛ زیرا علاوه بر اینکه طرح مباحث فلسفه فقه سیاسی به تبیین ماهیت این گرایش بین‌رشته‌ای می‌انجامد و به تمایز آن از سایر گرایش‌های تخصصی فقه حکم می‌کند، برخی ویژگی‌ها و الزامات حاکم بر فقه سیاسی را بر می‌شمرد و در این زمینه ضمن اینکه تبیین صحیح و جامعی از فقه سیاسی موجود به دست می‌دهد، با بررسی جوانب این رشته تخصصی راهکارهایی برای مسیر رسیدن به فقه سیاسی مطلوب ارائه می‌دهد.

گرچه مباحث فلسفه مضاف معمولاً منطبق بر رئوس ثمانیه (تعریف، موضوع، فایده، مؤسس و میراث، ابواب و مباحث، جایگاه این علم نسبت به علوم دیگر، غرض و روش علم) است، فلسفه مضاف به این موارد محدود نشده، بلکه به هر آن چیزی می‌پردازد که رویکرد درجه دوم به آن علم دارد و به فهم صحیح از وضعیت موجود و مطلوب آن و راهکارهای وصول به آن می‌انجامد.

از آنجاکه این تحقیق مشتمل بر مقالاتی است که طی چند سال گذشته از این قلم در فصلنامه‌های علمی- پژوهشی و برخی مجلات تخصصی نگارش یافته و از سوی دیگر عرصه مکتوب مباحث فقه سیاسی عنایت مطلوبی به این مباحث نداشته است، این مجموعه مقالات در صدد است با جمع‌آوری مقالات طی برخی مباحث درجه دوم فقه سیاسی مشتمل بر موضوعاتی چون فلسفه فقه

سیاسی، ماهیت فقه سیاسی، فقه سیاسی، گسترش و تحول و تکامل فقه سیاسی در عصر غیبت، قلمرو فقه سیاسی، غایات و کارویژه‌های فقه سیاسی، مکاتب و گفتمان و رویکردهای فقه سیاسی، تحول فقه سیاسی پس از انقلاب اسلامی، ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی، ظرفیت ساختارسازی فقه سیاسی شیعه در نظام اسلامی و نگرش حکومتی به فقه درکی مناسب از گرایش تخصصی فقه سیاسی ایجاد و نسبت آن با فقه حکومتی را بیان کند. طبیعتاً چون بسیاری از این مباحث مرهون هدایت و راهبری علمی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای است، برخی از این مقالات با تأکید بر دیدگاه‌های ایشان نگاشته شده است.